حرمت روزه عید فطر و علل آن

مطلب حاضر به قلمرو فلسفه احکام یا علل الشرایع مربوط می‌شود که قلمرویی است دور از دسترس عقل آدمی، مگر مقداری که توسط وحی (قرآن) یا مفسّران وحی (سنّت معصومین(ع) به ما ابلاغ شده است. اما در مورد حکمت تحریم روزه در دو عید فطر و قربان نکات ذیل به ذهن می‌رسد:

***

الف) حفظ تعادل در جامعه اسلامی

اسلام آیینی است که به تعبیر قرآن «امّت»[1] وسط و دین اعتدال است. یکی از مصادیق این اعتدال برقراری نوعی موازنه میان دنیا و آخرت می‌باشد. نه مانند ملحدین کاملاً آخرت‌گرایی را نفی می‌کند و نه مانند مسیحیت دنیا را به یکباره کنار می‌گذارد. بلکه صراط مستقیم الهی، در این مورد، راه رفتن در خط اعتدال میان دنیا و آخرت می‌باشد. خداوند از زبان قوم بنی‌اسرائیل خطاب به قارون می‌فرماید: بهره‌ات از دنیا را فراموش نکن، اما در عین حال احسان و نیکویی را نیز مراعات نما.[2]

اگر این ویژگی دین اسلام را در کنار آن خصوصیت انسانها قرار دهیم که همواره تمایل به افراط و تفریط و خروج از حدّ اعتدال دارند، می‌توان ربط میان این سخن و فلسفهٔ تحریم روزه در این دو عید را درک کرد. روز عید باید روز خوردن و آشامیدن باشد و مقدس‌مآبی نبایستی چنان بر آدمها مسلط شود که عید بودن عید را نیز فراموش کنند. به دیگر سخن، عظمت و بزرگی این دو عید قربان و فطر به اندازه‌ای است که عید بودن آنها به هیچ عنوان نباید تحت‌الشعاع مسائل دیگر قرار گیرد. روزه گرفتن در این دو روز بدون شک این دو عید بزرگ را کمرنگ می‌سازد و شارع چون به این کمرنگ شدن راضی نیست دستور به تحریم داده است.

در حدیثی از امام صادق(ع) به همین مضمون اشاره شده: در روز عید فطر و عید اضحی روزه نباید گرفت؛ چون رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) فرمود که این روزها روزهای خوردن و آشامیدن و شادی کردن است.[3]

وقتی انسان یک ماه را به دستور خداوند از خوردن و آشامیدن از اذان صبح تا اذان مغرب پرهیز و دستورات مختلف روزه را رعایت کرده است، حالا در پایان ماه رمضان به دستور همان کسی که تا امروز می‌گفت نخور و ننوش، باید بخورد و بیاشامد تا تعبد و اطاعت بی‌چون وچرای عبد از معبود جایگاه پیدا کند.

ممکن است این شبهه مطرح شود که اگر فلسفهٔ روزه نگرفتن رعایت اعتدال و گرایش نیافتن افراطی به سوی زهد منفی است، چرا در اعیاد دیگر این فلسفه رعایت نشده و روزه تحریم نگردیده است؟! در پاسخ می‌توان گفت که روزهای عید فطر و عید قربان (به خلاف اعیاد دیگر) در اصل اعیادی عبادی با حالت سابقه عبادی هستند. مثلاً عید فطر دنبال ماه مبارک رمضان و عید قربان دنبال ایام حج می‌باشد. حالت سابقه هر دو عید، عبادت است، آن هم عبادت همراه با زهد و گریز از دنیا. در ماه رمضان یک ماه تمرین زهد و دنیاگریزی انجام می‌شود و در ایام حج نیز این زهد در قالب مناسک خاص عبادی انجام می‌گیرد؛ بنابراین مناسب است که جهت رعایت اعتدال، یک روز هم زهد کنار گذاشته شود.

ب) افزایش روحیه تعبد

وقتی انسان یک ماه را به دستور خداوند از خوردن و آشامیدن از اذان صبح تا اذان مغرب پرهیز و دستورات مختلف روزه را رعایت کرده است، حالا در پایان ماه رمضان به دستور همان کسی که تا امروز می‌گفت نخور و ننوش، باید بخورد و بیاشامد تا تعبد و اطاعت بی چون و چرای عبد از معبود جایگاه پیدا کند و ارزیابی شود که از بین انسانها، چه کسانی متعبد به دستورات فرمانده هستند و چون و چرا نمی‌کنند.

ج) تعظیم عید وحدت‌زا

عید فطر و عید قربان دو عید بزرگ تمام مسلمین در سرتاسر جهان است و باعث ایجاد وحدت کلمه مسلمانان جهان، تجدید حیات امت اسلامی، اعلان عمومی دین و تعظیم شعائر دین می‌باشد. عظمت و بزرگی این دو عید به اندازه‌ای است که عید بودن آنها نباید تحت‌الشعاع هیچ مسئله‌ای قرار گیرد. روزه گرفتن در این دو روز بدون شک این دو عید بزرگ را کمرنگ می‌سازد؛ چون اگر روز عید فطر هم روزه گرفته می‌شد فرقی با سی روز قبل نداشت و اهمیت آن چندان روشن نمی‌شد؛ خداوند چون به این کمرنگ شدن راضی نیست دستور به حرمت روزه در این دو عید بزرگ داده است.

د) روز جوایز و هدایا

در روایتی آمده است که پیامبر اکرم(ص) روز عید فطر را «یوم الجوائز» یعنی روز جوایز نامیده است.[4] در بعضی تعابیر آمده است که این دو روز و نیز ایام دیگری که روزه در آنها حرام است، مانند ایام تشریق و نیز در نفی روزه در سفر، هدیه‌ها و یا صدقات خداوند است بر بندگانش و سزاوار نیست که صدقه و هدیه را ردّ کنیم.[5] رد احسان شخص کریم، خلاف ادب است و ناپسند شمرده می‌شود. از امام صادق(ع) نقل شده است: مردی محضر رسول خدا(ص) مشرّف شد و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا در سفر، روزه ماه رمضان را بگیرم؟ پیامبر فرمود: خیر. آن مرد گفت: ای رسول خدا! گرفتن روزه در سفر بر من آسان و سهل است؟ حضرت فرمود: «خدای عزّ و جل بر مریض‌ها و مسافران در ماه رمضان صدقه داده و آن این است که به ایشان اجازه افطار داده است. آیا یکی از شما دوست دارد وقتی به کسی صدقه‌ای می‌دهد آن شخص صدقه را ردّ کرده و قبول ننماید؟».

هـ) سازگاری آداب و اعمال خاص این روز با ممنوعیت روزه

آداب خاص این مهمانی ویژه خدا که بعد از مهمانی ماه رمضان قرار دارد مثلاً می‌گوید قبل از جمع شدن در فضای آزاد و صحرای باز برای اقامه نماز عید فطر[6]، از نعمت خرمای من تناول کنید[7] و اگر دیگری هم مهمان شما بود به او هم اطعام کنید[8] و نماز عید را در زیر آفتاب بخوانید[9]، به ضمیمه فحوای آنچه در مورد روزه روز عرفه گفته شده مبنی بر اینکه اگر روزه باعث ضعف و بی‌حالی برای خواندن دعاهای عرفه می‌شود بهتر است روز عرفه را روزه نگیرد[10]، این را می‌رساند که روزه نبودن در عید فطر حکمی مطابق با فطرت و معقول است.

و) روز مسرت و شادابی

در اینکه هر سال چند روز عید همه مسلمین باشد منافع بسیاری وجود دارد؛ از جمله مسرت دل‌های مردم،[11] که این غالباً با صله ارحام و ضیافت آنان و اطعام مستمندان و... همراه است و این امور با روزه کمتر سازگار است. در پایان باز هم تأکید می‌کنیم که اینها فقط احتمالاتی است که به ذهن می‌رسد و فهم فلسفهٔ واقعی احکام وقتی محقق می‌شود که از زبان معصومین بیان شده باشد.

* مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم

پی‌نوشت‌ها:

[1] بقره: ۱۴۳.
[2] قصص: ۷۷.
[3] طبرسی، مستدرک‌الوسایل، ج ۷، ص ۵۵۱.
[4] ابن طاووس، إقبال الأعمال (ط - القدیمة)، ج۱، ص: ۲۸۲.
[5] شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۳۹.
[6] خواندن نماز عید در زیر سقف کراهت دارد(امام خمینی، توضیح‌المسائل، مسئله ۱۴۴۴، ص ۳۲۴).
[7] افطار کردن با خرما، قبل از نماز عید فطر مستحب است(امام خمینی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۳۹، ص: ۳۲۳).
[8] ابن طاووس، إقبال الأعمال (ط - القدیمة)، ج۱، ص: ۲۸۱.
[9] مستحب است نماز عید فطر و قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند (امام خمینی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۳۳و مسئله ۱۴۳۴، ص ۳۲۳).
[10] تحریر الوسیلة - ترجمه، ج۱، ص: ۵۵۵.
[11] ر.ک: ترجمه المیزان، ج۶، ص۳۳۹.

دعا از جمله خالصانه‌ترین عبادت‌ها و پرستش‌های بندگان است. نیایش، درخواست بندگان از خداوند است که برخاسته از معرفت و درک توحید و ربوبیت الهی است. تا انسان معرفت نداشته و توحید محض، کامل و تمام را درک نکرده باشد و از هر گونه شرک خود را پاک نکرده باشد، نمی تواند دست‌های نیایش را به سوی خدا بلند کند. از این رو می توان همه زیبایی‌های عبادت و پرستش را در نیایش یافت.

دعا بریدن از غیر خدا و همه اسباب هستی و پیوستن به غنای ذات الهی است. نیایش، دست‌های خالی فقر است که به سوی ذات غنی دراز شده و بدان پیوسته است. دعا، فرار انسان از همه چیز و درک اضطرار ذاتی به خداوند غنی حمید است. لذا دعا را نماد اخلاص و توحید و بندگی و زیباترین نمایش خضوع و خشوع دانسته و گریزان از دعا را بدترین بنده گفته‌اند.

نویسنده در این مطلب حقیقت و نقش دعا به پیشگاه خداوند را بر اساس آموزه‌های اسلام تبیین کرده است.

گفتاری در اهمیت و زمینه‌های دعا و نقش آن در زندگی

دعا؛ نمایش بندگی

علی پوریا

امام موسی کاظم(ع) از مصادیق دعای سریع الاجابه را دعا در حق دیگری دانسته و فرموده است:دعایی که بیشتر امید اجابت آن می‌رود و زودتر به اجابت می‌رسد، دعا برای برادر دینی است در پشت سر او.

معرفت؛ لازمه دعا

دعا درخواست شخص پایین‌تر از بالاتر(معجم الفروق اللغویّه، ص۲۳۱) برای انجام چیزی است.(همان، ص۵۳۴) از ویژگی و مولفه‌های دعا این است که دعا همواره با حمد، مدح و ثنا و نیز استغاثه نیایشگر در حق نیایش شونده همراه است. (لسان العرب، ج ۴، ص ۳۵۹)

بنابراین، نیایشگر درک و تصوری درست از حقیقت و جایگاه خود و نیایش شونده دارد؛ از این رو دعا همراه با معرفت نسبت به خود و نیایش شونده همراه است. نیایشگر با درک ناتوانی خود و توانایی نیایش شونده به بیان ناتوانی‌های خود و توانایی‌های نیایش شونده می‌پردازد تا توجه، التفات و اهتمام نیایش شونده را بر انگیزد و مهر و محبت او را به سوی خود جلب کند تا خواسته‌اش را بر آورده سازد.

هنگامی که انسان متوجه فقر ذاتی و غنای خداوند حمید (فاطر، آیه ۱۵)، مالک، قادر، رحمان، رحیم و دیگر صفات جمالی او می‌شود و این معنا را درک می‌کند که خداوند پروردگار و رب العالمین است و به تمام نیازهای انسان، آگاه و توانا است و در انجام خواسته‌های او بخل نمی‌ورزد(محمد، آیه ۳۸) به دعا می‌پردازد و درخواست‌های مادی و معنوی، اخروی و دنیوی خویش را مطرح می‌کند.

خداوند در آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مومنون با تصویری که از وضعیت مشرک در هنگام احتضار و مرگ می‌دهد، به انسان نشان می‌دهد که نقش اساسی معرفت در گرایش به نیایش و دعا تا چه اندازه است. در این آیات خداوند بیان می‌کند که معرفت شهودی و دستیابی به علم شهودی و یقین برخاسته از مکاشفه برای محتضر مشرک چگونه او را به سمت دعا سوق می‌دهد؛ چرا که در هنگام مرگ همه انسان‌ها به نوعی شهود و علم حضوری می‌رسند که از آن به کشف الغطاء و کنار رفتن پرده‌ها و حجاب‌ها یاد می‌شود.(ق، آیات ۲۱ و ۲۲) در آن هنگام کافر و مشرک آتش دوزخ را به چشم دل و مکاشفه شهودی می‌بینند(تکاثر، آیات ۶ و ۷) پس این شهود و دریافت معرفت شهودی و بصیرت و بینایی دل هاست که کافر و مشرک را به سمت دعا سوق می‌دهد و بازگشت برای جبران گذشته‌ها و انجام اعمال صالح را خواستار می‌شود.

پس عمل صالح موجب خشنودی خداوند و زمینه‌ساز استجابت دعاست. البته از آنجایی که اسلام دین اجتماعی است تنها عمل صالح برای اجابت دعا کافی نیست، بلکه می‌بایست همان گونه که به عمل صالح گرایش دارد، نسبت به منکرات اجتماعی نیز واکنش منفی داشته و به معروف امر نماید.(سوره عصر) دارد، از این رو عدم امر به معروف موجب مستجاب نشدن دعاست. یعنی کسی که ترک امر به معروف و نهی از منکر می‌کند،امید نداشته باشد که دعایش مستجاب شود. پیامبر(ص) می‌فرماید:إذا لَم یَأمُروا بِمَعروفٍ وَلَم یَنهَوا عَن مُنکَرٍ وَلَم یَتَّبِعوا الأخیارَ مِن أهلِ بَیتی ، سَلَّطَ اللهُ عَلَیهِم شِرارَهُم ، فَیَدعوا عِندَ ذٰلِکَ خِیارُهُم فَلا تُستَجابُ لَهُم؛هرگاه (مردم) امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان خاندان من پیروی ننمایند، خداوند بدانشان را بر آنان مسلّط گرداند و نیکانشان دعا کنند امّا دعایشان مستجاب نشود. (امالی صدوق، ص ۲۵۴)

از جمله مواردی که دعا و درخواست‌ها رد می‌شود هر چند که دعا و نیایش برخاسته از معرفت و علم بلکه معرفت و علم شهودی و حضوری باشد؛ هنگامه قیامت است. خداوند بصیرت مجرمان به نتیجه ذلّت بار گناه در قیامت را که زمینه‌ساز دعای آنان برای بازگشت به دنیا و انجام دادن عمل صالح است رد می‌کند؛ چرا که این بصیرت و دعا، بیرون از زمان خود واقع شده است و تاثیری نخواهد داشت.(سجده، آیه ۱۲)

انسانی که به حقیقت خود و خدا معرفت یافته یا در مقام بصیرت و شهود قرار گرفته است، می‌داند که هیچ چیزی در هستی جز اراده و مشیت الهی تاثیرگذار نیست و اگر برای اسباب تاثیری قرار داده شده ، به اراده و مشیت الهی است که او مسبب الاسباب است. پس بریدن از همه چیز که مبتنی بر معرفت و شناخت است و پیوستن به خداوند و او را مسبب الاسباب دانستن، زمینه‌ساز دعا و استجابت است. از این‌رو هنگامی که انسان در هنگام اضطرار قرار می‌گیرد و از همه چیز می‌برد و به خدا می‌پیوندد، نیایش او تاثیرگذار است.(یونس،آیه ۲۲؛ لقمان، آیه ۳۲؛ اسراء، آیه ۶۷؛ عنکبوت، آیه ۶۵)

امام سجاد(ع) ناامیدی از مردم و هر سبب دیگر از اسباب مادی و معنوی و غیر خداوند را عامل مهم و اساسی در اجابت خواسته‌ها دانسته و می‌فرماید: مَن لَم یَرجُ النّاسَ فی شَیءٍ وَرَدَّ أمرَهُ إلَی اللهِ عَزَّوَجَلَّ فی جَمیعِ اُمورِهِ استَجابَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ فی کُلِّ شَیءٍ؛ هر کس در هیچ کاری به مردم امید نبندد و همه کارهای خود را به خدای عزوجل واگذارد، خداوند هر خواسته‌ای که او داشته باشد اجابت کند. (کافی، ج۲، ص۱۴۸، ح۳)

قرآن بصراحت در آیه ۶۲ سوره نمل بیان می‌دارد که خداوند دعای مضطر را اجابت می‌کند. این بدان معناست که مضطر در حالت اضطرار تنها متوجه خداوند است و به درجه‌ای از خلوص می‌رسد که تنها مسبب الاسباب را می‌بینند و از او درخواست یاری می‌کند.

از این آیات این معنا به دست می‌آید که دعا نمایش بندگی محض انسان و شناخت کامل از فقر خود و توانایی و غنای خداوند حمیدی است که بخل نمی‌ورزد و کسی که خالصانه به او توسل جوید دست او را می‌گیرد و از سختی‌ها و مشکلات می‌رهاند و خواسته‌های او اجابت می‌کند.

انسان با معرفت می‌داند که تنها خداوند است که او را آفریده و پرورش می‌دهد و او هیچ چیزی ندارد و حتی این هستی و وجودش را به عنایت و فضل الهی به او بخشیده شده است. پس هر کوچک و بزرگی را از خداوند می‌خواهد و متوسل به او می‌شود و حتی برای کمترین چیزها از جمله نمک خوراک خویش دعا می‌کند؛ و این گونه، هم به خداوند تقرب می‌جوید و هم خواسته‌هایش را برآورده می‌سازد. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: عَلَیکُم بِالدُّعاءِ ، فَإنَّکُم لاتَقَرَّبونَ إلَی اللهِ بِمِثلِهِ ، وَلا تَترُکوا صَغیرَهُ لِصِغَرِها أن تَدعُوا بِها ، إنَّ صاحِبَ الصَّغارِ هُوَ صاحِبُ الکِبارِ؛ شما را سفارش می کنم به دعا کردن، زیرا با هیچ چیز به مانند دعا به خدا نزدیک نمی شوید و دعا کردن برای هیچ امر کوچکی را به خاطر کوچک بودنش رها نکنید، زیرا حاجتهای کوچک نیز به دست همان کسی است که حاجتهای بزرگ به دست اوست. (کافی، ج۲، ص۴۶۷، ح۶)

آدم بی‌خبر و غافل از خداوند، چون اهل یقین و شهود نیست، دعایی که می‌کند از روی بی‌خبری است و چون مقام و منزلت الهی و توانایی و فضل و بخشش او را نمی‌داند و گمان باطل در حق خدا می‌برد و او را بخیل می‌داند، همین حالت نیایشگر موجب می‌شود تا دعایش مستجاب نشود. پیامبر(ص) نیز در این باره می‌فرماید: اُدعُوا اللهَ وَ أنتُم مُوقِنونَ بِالإجابَهِ وَاعلَموا أنَّ اللهَ لا یَستَجیبُ دُعاءَ مِن قَلبٍ غافِلٍ لاه؛خدا را بخوانید و به اجابت دعای خود یقین داشته باشید و بدانید که خداوند دعا را از قلب غافل بی‌خبر نمی‌پذیرد. (کنزالعمال، ج۲، ص۷۲)

برخی زمینه‌های اجابت دعا

چنانکه گفته شد از مهم‌ترین و اساسی‌ترین زمینه‌های دعا، معرفت و شناخت نسبت به فقر خود و غنای الهی، اخلاص و خلوص و درک اضطرار واقعی انسان به خداوند است.

اما اگر بخواهیم دعاهای ما استجابت شود و از سوی خداوند رد نشود، می‌بایست کارهای ما مورد رضایت خداوندی باشد که نیت خالص و اعمال صالح بنیاد این رضایت الهی است. از این‌رو مشرکان و کافران پس از کشف الغطاء در هنگام احتضار و مرگ خواهان بازگشت برای جلب رضایت الهی از طریق اعمال صالح می‌شوند.(مومنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰)

امام حسن مجتبی(ع) درباره خشنودی خدا و نقش آن در استجابت دعا می‌فرماید: أنَا الضّامِنُ لِمَن لَم یَهجُس فی قَلبِهِ إلاّ الرِّضا أن یَدعُوَ اللهَ فَیُستَجابَ لَهُ؛ کسی که در دلش هوایی جز خشنودی خدا خطور نکند، من ضمانت می کنم که خداوند دعایش را مستجاب کند. (کافی، ج۲، ص۶۲، ح۱۱)

البته معرفت و شناخت مراتبی دارد، هر چه معرفت انسان بالاتر باشد و از علم حصولی به حضوری و در حضوری و شهودی از علم الیقین به سوی عین الیقین و از آن به سوی حق الیقین برود، درجه خلوص و نیز ایمان و کیفیت عمل صالح تغییر می‌یابد.

انسانی که به حقیقت خود و خدا معرفت یافته یا در مقام بصیرت و شهود قرار گرفته است، می‌داند که هیچ چیزی در هستی جز اراده و مشیت الهی تاثیرگذار نیست و اگر برای اسباب تاثیری قرار داده شده ، به اراده و مشیت الهی است که او مسبب الاسباب است. پس بریدن از همه چیز که مبتنی بر معرفت و شناخت است و پیوستن به خداوند و او را مسبب الاسباب دانستن، زمینه‌ساز دعا و استجابت است.

دعا در حق خود مستجاب است ولی اجابت سریعتر دعا در غیاب دیگران برای آنان است. اگر هر مومنی در غیاب دیگری در حق او دعا کند، آن دیگری نیز در حق او دعا خواهد کرد و این گونه حوائج و درخواست‌های شما نیز برآورده می‌شود. بنابراین التماس دعا داشتن خوب است و هر کسی بکوشد تا التماس دعا داشته باشد و در حق دیگری نیز دعا کند تا در حق او دعا شده و اجابت گردد. پیامبر(ص) می‌فرماید: لَیسَ شَیءٌ أسرَعَ إجابَهً مِن دَعوَهِ غائِبٍ لِغائِبٍ؛ هیچ دعایی زودتر از دعایی که انسان در غیاب کسی می کند، مستجاب نمی شود.(بحارالأنوار، ج۹۳، ص۳۵۹، ح۱۷)

امام موسی کاظم(ع) از مصادیق دعای سریع الاجابه، دعا در حق دیگری دانسته و فرموده است: أوشَکُ دَعوَهً وَ أسرَعُ إجابَهً دُعاءُ المَرءِ لِاخیهِ بِظَهرِ الغَیبِ؛دعایی که بیشتر امید اجابت آن می‌رود و زودتر به اجابت می‌رسد، دعا برای برادر دینی است در پشت سر او.(اصول کافی، ج۱، ص۵۲)

امام سجاد(ع) ناامیدی از مردم و هر سبب دیگر از اسباب مادی و معنوی و غیر خداوند را عامل مهم و اساسی در اجابت خواسته‌ها دانسته و می‌فرماید: هر کس در هیچ کاری به مردم امید نبندد و همه کارهای خود را به خدای عزوجل واگذارد، خداوند هر خواسته‌ای که او داشته باشد اجابت کند.

پیامبر(ص) برطرف کردن گرفتاری مردم را عامل مهم در استجابت دعا از سوی خداوند می‌داند و می‌فرماید: مَن أرادَ أن تُستَجابَ دَعوَتُهُ وَأن تُکشَفَ کُربَتُهُ فَلیُفَرِّج عَن مُعسِرٍ؛ هر کس می خواهد دعایش مستجاب شود و غمش از بین برود باید گره از کار گرفتاری باز کند.(نهج‌الفصاحه، ح ۲۹۶۱)

حضرت رسول(ص) در بیان شرایط اجابت دعا، حالت تضرع و رقت قلب را مورد توجه قرار می‌دهد، زیرا این امر نشانه‌ای از استغاثه و عدم تکبر و استکبار است. بر اساس آموزه‌های قرآنی مستکبران اهل دعا و نیایش نیستند و خود را غنی دانسته و از دعاگریزان هستند.(غافر، آیه ۶۰) کسی که استکبار نمی‌ورزد اهل خضوع و تضرع است و قلب او در گرو محبت و رحمت الهی است. پیامبر(ص) دعا هنگام رقت قلب را موثر می‌داند و می‌فرماید: اغتَنِمُوا الدّعاءَ عِندَ الرِّقَهِ فَإنَّها رَحمَهٌ؛ دعا کردن در هنگام رقّت قلب را غنیمت شمرید، که رقت قلب، رحمت است.(بحارالأنوار، ج۹۳، ص۳۴۷، ح۱۴)

امام باقر(ع) می‌فرماید که دعا نزد قبر حسین(ع) یکی از زمینه‌های اجابت دعاست. حسین، بزرگ مرد کربلا، مظلوم و رنجیده خاطر و لب تشنه و مصیب زده به شهادت رسید. پس خداوند، به ذات خود، قسم یاد کرد که هیچ مصیبت زده و رنجیده خاطر و گنهکار و اندوهناک و تشنه ای و هیچ بَلا دیده ای به خدا روی نمی آورد و نزد قبر حسین(ع) دعا نمی کند و آن حضرت را به درگاه خدا شفیع نمی سازد، مگر اینکه خداوند، اندوهش را برطرف و حاجاتش را برآورده می‌کند و گناهش را می بخشد و عمرش را طولانی و روزی‌اش را گسترده می سازد. پس ای اهل بینش، درس بگیرید! (بحارالأنوار، ج ۱۰۱، ص ۴۶، ح ۵)

دعایی که همراه با بسم الله است رد نمی‌شود؛زیرا این نشانه آگاهی و معرفت شخص در حق خداوند است که هر چیزی را از خدا می‌داند و از او می‌خواهد. پیامبر(ص) می‌فرماید: لا یُرَدُّ دُعاءٌ أوَّلُهُ بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ؛ دعایی که با بسم الله الرحمن الرحیم شروع شود، رد نمی شود.(الدعوات، ص ۵۲)

البته باید توجه داشت که مراد از این سخن آن است که همه شرایط برای استجابت فراهم آید که شامل معرفت، اضطرار، تواضع و خشوع،بندگی، اخلاص ،عمل صالح و مانند آن است. از این رو که مثلا پیامبر(ص) در جایی دیگر مسئله حلال خوری را به عنوان یکی از شرایط اجابت بیان می‌کند و می‌فرماید که حلال خوری نقش مهمی در استجابت دعا دارد. چنانکه می‌فرماید: یا عَلیّ مَن أکَلَ الحَلالَ صَفادینُهُ، وَرَقَّ قَلبُهُ، وَدَمِعَت عَیناهُ مِن خَشیَهِ اللهِ تَعالی وَلَم یَکُن لِدَعوَتِهِ حِجابٌ؛ای علی هر کس حلال بخورد، دینش صفا می یابد، رقّت قلب پیدا می کند، چشمانش از ترس خداوند متعال پراشک می‌شود و برای (استجابت) دعایش مانعی نمی باشد.(میراث حدیث، ج۲، ص۱۸، ح۲)

دعای کسانی که اعمال صالح انجام می‌دهند اجابت می‌شود. از جمله دعای پس از نماز یا دعای روزه داران در هنگام افطار اجابت می‌شود؛ زیرا اینها از اعمال صالح است. امام کاظم(ع) فرمود: دعوه الصائم تستجاب عند افطاره؛دعای شخص روزه دار هنگام افطار مستجاب می شود. (بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۵۵، ح ۳۳)

علت عدم اجابت یا تاخیر در اجابت

انسانی که دارای معرفت حقیقی نسبت به خود و خداست، همواره آنچه رضایت خداوند است را مد نظر قرار می‌دهد که همان عمل صالح است. و از هر گونه اموری که ناپسند و زشت وگناه است دوری می‌کند؛ چرا که می‌داند که اعمال صالح موجب خشنودی خدا و اجابت دعاست و اعمال بد و زشت مانع از آن خواهد بود. امام صادق(ع) به عنوان نمونه استجابت دعا را با مال حلال و مانع آن را حرام خواری بیان می‌کند و می‌فرماید: إذا أرادَ أحَدُکُم أن یُستَجابَ لَهُ فَلیُطَیِّب کَسبَهُ وَلیَخرُج مِن مَظالِمِ النّاسِ ، وَ إنَّ اللهَ لا یَرفَعُ إلَیهِ دُعاءَ عَبدٍ وَفی بَطنِهِ حَرامٌ أو عِندَهُ مَظلَمَهٌ لِأحَدٍ مِن خَلقِهِ؛ هر کس بخواهد دعایش مستجاب شود، باید کسب خود را حلال کند و حق مردم را بپردازد.

دعای هیچ بنده ای که مال حرام در شکمش باشد یا حق کسی بر گردنش باشد، به درگاه خدا بالا نمی رود. (بحارالأنوار، ج۹۳، ص۳۲۱، ح۳۱)

البته همیشه علت اجابت ظاهری یا تاخیر در اجابت این امر نیست؛ چرا که گاه خداوند اجابت کرده ولی دست نگه داشته و با تاخیر می‌دهد تا بنده خود را بیش از پیش خالص گرداند و به خداوند تقرب جوید؛ زیرا خداوند با بلاء و ابتلاء بر آن است تا ظرفیت وجودی بنده افزایش یابد و تحمل و صبر او بیشتر شود و به کمالات بالاتری دست یابد. آن حضرت درباره علت تاخیر در استجابت دعا نیز می‌فرماید: إنَّ العَبدَ لَیَدعو فَیَقولُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لِلمَلَکَین: قَد استَجَبتُ لَهُ وَلکِن احبَسوهُ بِحاجَتِه ، فَإنّی اُحِبُّ أن أسمَعَ صَوتَهُ وَ إنَّ العَبدَ لَیَدعو فَیَقولُ اللهُ تَبارَکَ وَتَعالی: عَجِّلوا لَهُ حاجَتَهُ فَإنّی اُبغِضُ صَوتَهُ؛ هر آینه بنده دعا می‌کند و خداوند عزوجل به دو فرشته می فرماید: من دعای او را مستجاب کردم اما حاجتش را نگهدارید، زیرا دوست دارم صدای او را بشنوم و همانا بنده دعا می کند و خداوند تبارک و تعالی می فرماید: زود خواسته‌اش را برآورید که من خوش ندارم صدای او را بشنوم.(کافی، ج۲، ص۴۸۹، ح۳)

علل دیگری برای برآورده نشدن دعاها در آیات و روایات بیان شده است. از جمله امام علی(ع) می‌فرماید: گاه چیزی را (از خدا) می خواهی اما به تو داده نمی شود و دیر یا زود بهتر از آن به تو داده می شود، یا به خاطر آنچه خیر و مصلحت تو در آن است از برآورده شدن خواسته ات دریغ می شود، زیرا بسا خواسته ای که اگر برآورده شود به نابودی و تباهی دین تو می انجامد، پس، چیزی بخواه که زیبایی و نیکی‌اش برایت می‌ماند و پیامد سوئی ندارد. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

همان‌گونه که عمل صالح عامل اجابت و حتی تعجیل در اجابت است، گناه عامل عدم اجابت دعاست. امام علی(ع) فرموده است: لا تَستَبطِیءِ إجابَهَ دُعائِکَ وَ قَد سَدَدتَ طَریقَهُ بِالذُّنوبِ؛اجابت دعایت را دیر مپندار، در حالی که خودت با گناه راه اجابت آن را بسته ای.(غررالحکم و دررالکلم ح ۱۰۳۲۹)

نافرمانی از والدین موجب حبس دعا ست. امام صادق(ع) می‌فرماید: گناهی که نعمت‌ها را تغییر می دهد، تجاوز به حقوق دیگران است. گناهی که پشیمانی می آورد، قتل است. گناهی که گرفتاری ایجاد می کند، ظلم است. گناهی که آبرو می بَرد، شرابخواری است. گناهی که جلوی روزی را می گیرد، زناست. گناهی که مرگ را شتاب می بخشد، قطع رابطه با خویشان است. گناهی که مانع استجابت دعا می شود و زندگی را تیره و تار می کند، نافرمانی از پدر مادر است.(علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۴)

آثار و نقش دعا در زندگی

در آیات و روایات برای دعا تاثیرات شگرفی در زندگی مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی انسان بیان شده است. از جمله در آیات قرآن برای دعا، آثاری چون تأمین خواسته‌های درخواست کنندگان نیازمند(ابراهیم، آیه ۳۴؛ طه، آیات ۲۵ تا ۳۶)، جلب رحمت خداوند(اعراف، آیات ۵۶ و ۱۵۶)، درمان بیماری ها(انبیاء، ایات ۸۳ و ۸۴؛ ص ، آیات ۴۱ تا ۴۳)، رفع و نجات از غم و اندوه(انبیاء، آیه ۷۶)، رفع بلاها و دشواریها و گرفتاری ها(انعام، آیات ۴۰ و ۴۱)، مصونیت از گناه و انحرافات(یوسف، آیات ۳۳ و ۳۴)، برخورداری از امداد الهی(بقره، آیات ۲۵۰ و ۲۵۱)، آمرزش گناهان (بقره، آیه ۵۸)، آبرومندی در قیامت (آل عمران، آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵) و هر مشکل و درد دنیوی از مادی و معنوی تا جلب نعمت و رفع بلا و دفع بلا بیان شده است.

در آیات و روایات ده‌ها اثر برای دعا بیان شده است. چنانکه گفته شد دعا یکی از علل از بین برنده درد و بیماری در انسان است. پیامبر(ص) نیز درباره این نقش و تاثیر دعا در زندگی می‌فرماید: اَلصّدَقَهُ تَدفَعُ البَلاءَ وَ هِیَ اَنجَحُ دَواءٍ وَ تَدفَعُ القَضاءَ وَ قَد اُبرِمَ إبراما وَ لا یَذهَبُ بِالدواءِ اِلاّ الدّعاءُ وَ الصَّدَقَهُ؛صدقه بلا را برطرف می کند و مؤثرترین داروست. همچنین، قضای حتمی را برمی گرداند و درد و بیماری‌ها را چیزی جز دعا و صدقه از بین نمی برد.(بحارالأنوار، ج۹۳، ص ۱۳۷، ح ۷۱)

اینها نمونه‌هایی از مباحثی است که در آیات و روایات درباره دعا بیان شده است. همین مقدار به خوبی نشان می‌دهد که دعا چه جایگاه مهمی در عبادت و بندگی دارد و تا چه اندازه در زندگی انسان‌ها تاثیر می‌گذارد و دنیا و آخرت ایشان را متاثر می‌سازد.

چراغ راه

عید قبولی طاعات و عبادات

قال الامام علی (ع): «انما هو عید لمن قبل الله صیامه و شکر قیامه، و کل یوم لایعصی الله فیه فهو عید»

امام علی (ع) فرمود: امروز تنها عید کسی است که خداوند روزه‌اش را پذیرفته و شب‌زنده‌داری‌اش را سپاس گزارده است.

و هر روز که خدا را در آن نافرمانی نکنند، آن روز عید است. [1]

۱- نهج‌البلاغه- حکمت ۴۲۸

حکایت خوبان

عید جوایز بندگی

جابر از امام باقر(ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: چون روز اول شوال فرا می‌رسد، منادی ندا می‌کند: ای مومنان در این صبحگاه بشتابید برای جوایزتان(که به پاداش عبادات رمضان می‌دهند) سپس فرمود: ای جابر جوایز خداوند متعال که مانند جوایز این پادشاهان نیست! آنگاه فرمود: امروز روز جایزه است. [1]

امام رضا(ع) می‌فرمایند: روز فطر، عید مقرر شده تا مسلمانان در این روز گرد هم آیند و برای خداوند ظهور کنند و او را به خاطر نعمت‌هایش تعظیم کنند. پس این روز روز عید، روز اجتماع، روز فطر، روز زکات، روز رغبت و روز تضرع و... است. پس خداوند بزرگ دوست دارد که مسلمانان در چنین روزی اجتماعی داشته و در آن، او را ستایش کرده و مقدس بدارند. [2]

همچنین آن حضرت در مورد علت تکبیرهای زیاد در روز عید فطر می‌فرمایند: تکبیر، تعظیم و بزرگداشت خداوند متعال است و نوعی تشکر از هدایت‌ها و نعمت‌های پروردگار جهانیان می‌باشد. [3]

۱- من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۵۱۱
۲- وسایل‌الشیعه، ج۷، ص ۴۸۱
۳- عیون اخبارالرضا، ج۱، ص ۱۲۲

پرسش و پاسخ

جامعیت قرآن(۲)

پرسش:

آیا جامعیت قرآن به این معنا است که تمام علوم مورد نیاز جوامع انسانی در قرآن وجود دارد، یعنی جامعیت مطلق یا اینکه معنا و مفهوم دیگری دارد؟

پاسخ:

در بخش